

# بررسی تأثیر نور بر نمایش خلاقانه‌ی آثار مد لباس هنرمندان معاصر ایران

(مطالعه‌ی موردی: آثار آنا ثانی)

منا جهانپور

دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دکتر فهیمه زارع‌زاده

نویسنده مسئول، عضو هیأت علمی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

## چکیده

امروزه اگرچه مد لباس سوژه‌ای برای بیان ایده‌های خلاقانه یک ابژه‌ی پوششی-هنری دانسته می‌شود؛ با اینحال ورای خویش، مکانیسم‌هایی را دربردارد که می‌توانند تغییراتی را در نمایش ساختار ابژه ایجاد کنند. نور از جمله این مکانیسم‌ها می‌باشد که با توجه به اهمیت نور در فلسفه سهروردی و تأثیر متقابل آن بر رنگ هاست که در پژوهش حاضر بر روی آثار هنرمند معاصر، آنا ثانی، به مثابه‌ی ابژه‌هایی بدیع مورد خوانش قرار گرفته است. بررسی‌های انجام شده با استناد به منابع معتبر کتابخانه‌ای و میدانی بیانگر آنست که: هرچند بهره‌گیری از نور و کیفیاتش در نورپردازی لباس تأثیر بسزایی بر هر چه بهتر دیده شدن آن و طراحی‌های ساختاریاش دارد، در فلسفه زیبایی در هنر ایرانی اسلامی هر چیزی مرهون وجود نور است؛ لیکن در نمایش آثار آنا ثانی تأکید و توجهی به این مکانیسم نشده است. چنانکه اگر کیفیت نورپردازی و تأثیرات آن از سوی هنرمند در نظر گرفته می‌شد، امکانی فراهم می‌گردید تا آثار کارکرد رسانه‌ای بیشتری در ارتباط با مخاطبان عرصه مد پیدا کنند، حس و حال لحظه خلقشان به تصویر کشیده شود و حتی با تحت تأثیر قرار گرفتن رنگشان نتیجه‌ی مطلوبتری از آنچه خلق شده‌اند، ارائه داده شود.

## مقدمه

از دهه‌ی ۱۹۶۰ در عرصه‌ی مد لباس، بدن به عنوان یک حیطة‌ی شخصی و نشانه‌ی هویتی هر فرد بسیار مورد توجه قرار گرفت (زاد ارمکی و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۵۷) و امکان بدن/ خود به عنوان یک سوژه، به روی مخاطبان انبوه و نه فقط هدف یا آرمان یک گروه نخبه یا فرهنگ بورژوازی ممتاز باز شد (Tumer, 1994). به این ترتیب، لباس به تدریج به منزله‌ی رسانه‌ای قلمداد گردید که می‌توانست مفاهیم مختلف موجود در دهکده‌ی جهانی و واکنش‌های آن در جامعه را بیان کند (Boudot, 1999: 38). به عبارتی، کاربرد استعاره‌ی لباس به منزله‌ی زبان، اشاره به قابلیت برقراری یا ایجاد ارتباط در حوزه‌ی لباس داشته و راه‌های جدیدتری برای درک بهتر جریان آفرینش، انتقال و دریافت پیام در این عرصه گشوده شد. با چنین رشدی در دنیای معاصر، هنرمندان ایرانی نیز از این ابزار قوی در عرصه طراحی مد برای بیان اندیشه‌های خود استفاده کرده و از اوایل سال ۲۰۰۰، به خلق آثار و ارائه نمایش‌هایی پرداختند که به شکلی متفاوت جلوه‌گر شده‌اند. در این نمایش‌ها هنرمندان سعی کرده‌اند به وسیله آثار خود در قالب مد لباس، مخاطب را به چالش کشیده و با وی ارتباط برقرار سازند. اما اینکه آنان تا چه میزان با عنصر نور و نورپردازی در نمایش آثار خویش آشنایی داشته و اصولاً مبتنی بر این مکانیسم چه رویکردی را در نمایش خلق آثارشان دنبال می‌کنند؛ از جمله سؤالات پژوهشی هستند که به صورت مطالعه موردی بر روی آثار آنا ثانی مورد بازبینی و بررسی علمی قرار می‌گیرد.



عنصر رنگ امری مهم برای نشان دادن هدف هنرمند از طراحی و البته نشان دادن حس و حال هنرمند در لحظه خلق اثر می باشد. از سوی دیگر عنصر نور بسیار مهم و تأثیرگذار است چراکه بدون وجود آن هرگز رنگی دیده نشده و زیبایی جلوه گر نخواهد شد، نور منشأ دیده شدن و زیبایی وابسته حضور آن است. توجه ویژه‌ی فلاسفه‌ی اسلامی به عنصر نور نیز گواهی دیگر بر اهمیت عنصر نور است بعنوان مثال سهروردی ملقب به شیخ اشراق فیلسوف موسس حکمت اشراق است (۵۴۹-۵۸۷ ه.ق) می باشد، شناخت نور در حکمت اشراق اساس معرفت محسوب می شود. وی مکتب خود را بر پایه‌ی نور و تمثیلات زرتشتی بنا نهاده است. شیخ اشراق از نور بعنوان استعاره‌ای از هستی استفاده می کند. او در حکمت اشراق نور را بدین گونه تفسیر کرده است:

اگر در هستی چیزی باشد که نیازمند تعریف نباشد ظاهر روشن است. پس هیچ چیز روشن تر از نور نیست پس بی نیازترین چیزها به تعریف، نور است. ظاهر نور همان روشناییست اما باطنش ماهیت نور، ارتباط نورها با یکدیگر، نور حسی، نور مجرد، رابطه‌ی نور و شناخت است. نور برای خود ظاهر و برای دیگری ظهوردهنده است، پس روشنی ذات نور است. سهروردی تمام حقیقت عالم را با نور تعریف می کند. وی عالم انوار را مطرح کرده و حتی نور حسی را نیز بررسی نموده است که باعث دیده و مرئی شدن اجسام ظلمانی می شود. عالم انوار متشکل از انوار قاهره، مدبره و معلقه می باشد. سهروردی در بررسی نور به این نکته اشاره نموده است که جاودانگی ذاتاً بخشی از فیضان نور الانوار است که خود نیز دارای فیض جاویدان است که همان نور محض و در آخر همان حقیقت الهی است. در نتیجه هر چه نور و نورانی نباشد مظلوم است. وی موجودات را به دو دسته تقسیم می کند، دسته‌ای آگاه از وجود که دو گروه می شوند آگاهی از خودش باشد همانند نور اعلی، فرشتگان و رب النوعها و دسته‌ای غافل از وجود هستند که دو گروه اجسام طبیعی هستند که وجودشان بدون انضمام به چیز دیگری تاریک است و گروهی دیگر رنگها و بوها که وجودشان به چیزی غیر از خودشان وابسته است. با در نظر

گرفتن نظریه‌های فلاسفه به این امر مهم پی می بریم که عنصر نور تأثیر بسزایی بر هنر دارد. شیخ اشراق با ذکر و تبیین معنای بلندی چون "قره" باب جدیدی را در فلسفه نور گشوده است. قره (که از دین زرتشت وام گرفته است) نورپست که از ذات الهی ساطع می شود و بدان بعضی از مردم بر بعضی دیگر برتری می یابند. در این خصوص کیفیات نورپردازی در طراحی لباس بسیار حائز اهمیت می باشد چراکه می تواند با آفرینش فضایی خاص تمام حس و حال هنرمند در لحظه خلق را که با رنگ ناتمام مانده است را تکمیل کرده و هدف هنرمند را در ذهن بیننده متبادر سازد. بهره گیری از امکانات نورپردازی می تواند اثر را در نهایت کمال و زیبایی جلوه گر سازد (بلخاری، ۱۳۸۴)، (ارمکی، چاوشی ۱۳۸۱).

برای پاسخ به نیاز پوشاک در طول تاریخ رشته‌ای به نام طراحی مد بوجود آمد که هنر استفاده از طراحی و زیبایی شناسی حسیک و یا زیبایی طبیعی برای خلق پوشاک را در برمی گیرد. طراحی مد متأثر از نگرش های اجتماعی، فرهنگها و جوامع مختلف بوده و به اندازه‌ی همین تفاوتها دارای تنوع وسیعی می باشد. طراحان مد تلاش می کنند تا لباس طراحی شده تابعی از زیبایی و فرهنگ محیطی باشد، آن‌ها باید مخاطب هر نوع لباس و همچنین موقعیتی که پوشیده می شوند را در نظر داشته باشند. آن‌ها برای انجام این مهم محدوده‌ای گسترده از مواد و ترکیبات آن و همچنین طیفی وسیع از رنگها، الگوها و سبکها را در اختیار دارند. طراحان مد از یک سو با چالش طراحی لباسهای روزمره که بیشترین میزان لباسهای مصرفی را تشکیل می دهند و در محدوده‌ی سبکهای قراردادی متداول و مرسوم قرار دارند، روبرو هستند و از سویی دیگر با چالش طراحی لباسهای رسمی و لباسهای شب که برای مراسم خاص استفاده می شوند. در نتیجه در یک طراحی حساب شده و توانمند می بایست عناصر مهم و مؤثر بر طراحی لباس و تأثیرات آن‌ها بر این مقوله در نظر گرفته شود. با این نگاه و با توجه به اهمیت فراوان رنگ در لباس و مد، انتخاب رنگهای مناسب برای لباس امری بسیار حائز اهمیت و فراتر از سلیقه‌ی شخصی است. طراح لباس با آشنایی با رنگها، رنگهایی را با هماهنگی کنار هم می نشانند. هارمونی رنگ لباسها همانند هماهنگی در نت‌های موسیقی است. همان‌طور که هارمونی نت‌های موسیقی آهنگی گوش نواز می آفریند، هماهنگی در رنگ بندی لباس نیز می تواند زیبایی بیافریند. در این خصوص می توان از دایره‌ی رنگی نیز استفاده نمود بعنوان مثال رنگهای مشابه که در امتداد یکدیگر در دایره‌ی رنگی می آیند، رنگهای متضاد که بین هر رنگ و رنگ متضاد آن سه رنگ فاصله است و یا رنگهای مکمل که روبروی یکدیگرند. رنگهای گرم و یا سرد با تأثیرات مخصوص به خود که شمارا گرم و پر حرارت و جسور و یا رنگهای سرد که آرام و پاک جلوه می دهند. طراحان با استفاده از نور تلاش می کنند تا اصالت و هویت قومی و فرهنگی خود را به نمایش بگذارند تا جلوه‌ای خاص را از تن پوشها ارائه دهند.

#### نمایش گزیده‌ی آثار آنا ثانی

نوع نگاه هر هنرمند با دیگری متفاوت است و این است دلیل تنوع آثار هنری در جامعه. تمامی هنرمندان در لحظه‌ی خلق اثر در حس و حال منحصر به فرد همان اثر هستند و این دلیلی برای تفاوت آثار با یکدیگر و وحدت داشتن اعضا مجموعه با یکدیگر است. گاهی هنرمند طراح مجموعه‌ای را با حس و حال خود همانند خلق یک تابلو نقاشی خلق می کند و گاهی با توجه به عنوانی خاص دست به طراحی می زند که هر کدام فضایی خاص خود را می طلبد. در روند گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی-الکترونیکی و از طریق مصاحبه‌های نیمه طراحی شده، آنا ثانی در خصوص استفاده از نور و تأثیری که نور بر روی ارائه لباسها دارد بدین پرداخت که فضای مورد نظرش را بر اساس حس لحظه طراحی نموده و نورپردازی با صلاح دید وی لوکیشن مورد نظر را بسته و به تنظیم نور می پردازد. به عنوان نمونه، برای القاء حس رؤیایی فضایی سپید و نورانی و مهلو از لطافت در نظر گرفته شده و در مجموعه‌ای دیگر جهت تجسم بخشیدن به فضایی شاد، نورپردازی بر اساس نورهای رنگین قرمز

انتخاب خوبی باشد. سمبلی از زندگی، قدرت و نشاط است. قدرت نفوذ این رنگ بسیار بالاست و توجه بسیاری را به خود جلب می‌کند. زرشکی تا حدی نیز خواص رنگ قرمز را در خود دارد (ایتن، ۱۳۹۱).

در این تن پوش با استفاده از مرواریدها و نوارهای سفید رنگ کناره‌ی لباس تضاد رنگی ایجاد شده است. خاطر نشان می‌شود که هدف یادآوری همان کرسی و لحاف‌های قدیمی و نوستالژیک بوده است.

نورپردازی در طرح شماره‌ی دو (تصویر شماره‌ی ۲) بصورت دو نور در دو سمت لباس می‌باشد که قدرت نور سمت چپ ضعیف‌تر از دیگری می‌باشد. نورپردازی از جنسیت پارچه (مخمل کوبیده) که توان انعکاس نوری خفیف را دارد بهره گرفته است، در این اثر نور جنسیت، بافت و برش‌های لباس را به خوبی جلوه‌گر ساخته است. مشابه اثر شماره‌ی یک پس‌زمینه برای تمایز دادن آن از لباس نوردهی شده است. در خصوص رنگ پس‌زمینه با همان هدف یادآوری خاطرات مشابه اثر قبل زرشکی استفاده شده است. رنگ لباس ترکیبی از فیروزه‌ای و سیاه است. رنگ فیروزه‌ای که رنگ اصیل ایرانیست (blue Persian) و از ترکیب سبز و آبی بدست می‌آید در نتیجه خصوصیات هر دو رنگ را در خود جای داده است. رنگ آبی اولین و مهمترین رنگ آرامش‌دهنده است. رنگی که آرامش فکری و جسمی، اطمینان خاطر درونی و اعتماد بنفس را گسترش می‌دهد. رنگ سبز در زیرمجموعه‌ی رنگ‌های سرد قرار دارد. این رنگ نماد تولد، زندگی و بخشندگی است. رگه‌های گلدوزی طلایی دوخته شده روی بخش فیروزه‌ای تضادی دلنشین را ایجاد کرده است که در این قسمت از کنتراست تضاد بهره برده است، رنگ طلایی در هنر اسلامی رنگی اصیل و ایرانیست و تا حدودی رنگی مکمل برای فیروزه‌ای می‌تواند در نظر گرفته شود. همنشینی فیروزه‌ای در کنار سیاه و نسبیت یک به سه آن درخشش بیشتری را برای رنگ فیروزه‌ای باعث می‌شود. رنگ سیاه تیره‌ترین رنگ می‌باشد و در واقع رنگیست که خود را نفی می‌کند و از ترکیب سه رنگ اصلی زرد، قرمز و آبی بدست می‌آید. رنگی بی‌تحرك، ساکت، و غیرمحرک است که این امر کمک به جلوه کردن رنگ‌های همجواریش می‌شود (ایتن، ۱۳۹۱).



تصویر شماره‌ی ۱: برگرفته از مجموعه خاطرات و قصه‌ها، مأخذ: برگرفته از آرشيو شخصی هنرمند

و سفید و زرد انجام می‌گیرد. در توضیحات بیشتر هنرمند بیان داشت که گاهی متأثر از خاطرات کودکی تجربیات فنی، محل زندگی و رویدادهایی که در زندگی با آن‌ها مواجه بوده، کار می‌کند و در نتیجه استفاده از نورها با استفاده از داده‌های تکنیکی از پیش تبیین شده‌ای نیست. چنانکه در حین کار با توجه به حس و فضای مورد نظرش تغییراتی را صورت داده و با توجه به اندام‌های مختلف و ضرورت نگاهش به نحوه نمایش لباس در بستر مد واقع گریانه یا مفهومی و آبستره، تکنیک‌های نوری را تغییر داده تا بتواند به هدف و تصویر ذهنی خود از آن نمایش مد لباس برسد. با شناخت چنین پیش‌زمینه فکری از آن‌ا نانی در ادامه، برخی از آثار مد لباس وی که در مجموعه "خاطرات و قصه‌ها" جای گرفته‌اند، بررسی می‌شود:

در طرح شماره‌ی یک (تصویر شماره‌ی ۱)، مخاطب با حسی مملو از خاطرات شیرین کودکی روبرو می‌شود. هنرمند هدف از ارائه این اثر انتقال حسی صمیمی و نوستالژیک است که وی در دوران کودکی در منزل پدر بزرگ خود تجربه کرده است، همان حس صمیمیت و سادگی گذشته با مخمل‌های قرمز رنگ و لحاف‌های قدیمی با تزیینات نوستالژیک مرواریدی آن را در ذهن تصویرسازی می‌نماید. نورپردازی این اثر نوری سافت و نرم از دو طرف لباس است که به واسطه‌ی چین و شکن‌های خود اثر سایه روشن طبیعی و ملایمی ایجاد شده است. اما در پس زمینه‌ی اثر که هم‌رنگ خود لباس انتخاب شده است و شاید به دلیل تشدید همان حس پاییز، کرسی و خاطرات کودکی باشد شاهد نورپردازی موضعی هستیم به نحوی که نوری روشن و گرم اطراف لباس را در برگرفته است که از پشت به پس زمینه تابانده شده است. در خصوص استفاده از رنگ‌ها باید توجه کرد کل اثر تماماً به رنگ زرشکی می‌باشد که رنگ سرخ سیر است و اندکی آبی در ترکیب آن وجود دارد در نتیجه در میانه‌ی دو رنگ سرخ و ارغوانی جای می‌گیرد. یکی از رنگ‌های اصلی در دایره رنگ می‌باشد و طبیعت آن بسیار مثبت و گرم است و می‌تواند برای از بین بردن منفی‌گرایی در افکار و احساسات







تصویر شماره ۲: برگرفته از مجموعه خاطرات وقصه‌ها، مأخذ: برگرفته از آرشیو شخصی هنرمند

در طرح شماره‌ی سه (تصویر شماره‌ی ۳) نیز نورپرداز با همان رویکرد عمل کرده است فضای گرم و صمیمی که با نوردهی سافت و ملایم حاصل گشته است. استفاده از نور سافت و نوردهی به پس‌زمینه از جنس همان نورتابیده شده بر روی لباس نتیجه‌ای مشابه با تصاویر گذشته را ایجاد کرده است. دو نور که یکی از سمت راست و جلوتر از مانکن تابانده شده است و دیگری سمت چپ و پشت مانکن را پوشش می‌دهند. با کمک نورپردازی مدل و چین‌های لباس خودنمایی می‌کند. جنسیت مخمل لباس به خوبی با این نوع نورپردازی به بیننده یادآوری می‌شود. در بحث رنگ نیز همچون تصویر شماره‌ی یک رنگ زرشکی با همان هدف خاص انتخاب شده است. نورپردازی سافت و چین و شکن‌های لباس رنگ زرشکی آن را کمی روشن‌تر در نظر جلوه می‌دهد. در این اثر نیز از گلدوزی‌های طلایی رنگ استفاده شده است که در نور درخشان‌تر ظاهر شده‌اند و با توجه به وسعت بسیار کم رنگ طلایی و بستر تیره آن خودنمایی می‌کنند. خواص رنگ زرشکی و طلایی نیز در توضیحات تصویر شماره‌ی یک ذکر شده است (ایتن، ۱۳۹۱).



تصویر شماره ۲: برگرفته از مجموعه خاطرات وقصه‌ها، مأخذ: برگرفته از آرشیو شخصی هنرمند

در طرح شماره‌ی چهار (تصویر شماره‌ی ۴) همان فضای گرم و صمیمی با نورپردازی مشابه تصاویر پیشین قابل مشاهده است. در این اثر نیز دو نور از سمت راست که جلوتر از مانکن و سمت چپ که پشت مانکن جایگیری شده‌اند تاییده شده است. باری دیگر جنسیت مخملی لباس و درخشندگی گلدوزی‌های ظریف طلایی جلوه‌گری می‌کنند که نسبت یک سوم از کل اثر را به خود اختصاص داده است. برای پس‌زمینه رنگی یکدست و مکمل برای لباس را برگزیده است.

در خصوص رنگ نیز از رنگ سبز که در اصطلاح عام به سبز زمردی شهرت دارد استفاده شده است. در بخشی بسیار کوچک نواری به رنگ زرشکی قابل مشاهده است، با توجه به کنتراست مکمل و وسعت استفاده از رنگ سبز و قرمز در کنار یکدیگر حرکتی زیرکانه می‌باشد که در هماهنگی رنگ‌ها و زیباتر دیده شدن اثر نقش بسزایی را دارد. رنگ قرمز با درخششی بیشتر در وسعت کمتری نسبت به سبز استفاده شده است تا توازن کار حفظ شود (ایتن، ۱۳۹۱). سبز، قرمز زرشکی و طلایی رنگ‌های بکار رفته در این اثر بعنوان رنگ‌های اصیل ایرانی شناخته می‌شوند.

دادن اثر (لباس) دارند، رنگ‌ها با در نظر گرفتن اندام، هدف، اصول اجتماعی و اخلاقی‌گزينش می‌شوند تا بهترین نتیجه را برای جامعه‌ی معاصر و مردم بافت جامعه در برداشته باشند.

با توجه به نکات ارائه شده در این پژوهش می‌توان به این نتیجه رسید که در مجموعه "خاطرات و قصه‌ها" یکی از مجموعه آثار آنا ثانی تأکیدی بر نورپردازی پیچیده نشده است و تلاشی برای نورپردازی ساده و حداقل شده است تا تأثیری بر اثر نداشته باشد تا خود اثر قائم به ذات خود جلوه‌گری نماید و بهره‌گیری از کیفیت نور برای هرچه بهتر و خلاقانه‌تر نشان دادن آثار وجود ندارد. اگر کیفیت نورپردازی بالاتر می‌بود می‌توانست حس و حال لحظه‌ی خلق این آثار را توسط هنرمندان را بیش از پیش به تصویر بکشد. تأثیرات نورپردازی توانایی تأثیر حتی بر رنگ بدنه را نیز دارد و قابلیت تغییر رنگ لحظه‌ای اثر را برای نمایش آن دارد. گاهی برای درخشندگی بیشتر نشان دادن تزیینات و آکسسوری‌های بکار رفته در لباس همچون نخ‌های زرین و سیمین، سنگ‌های قیمتی، گلدوزی‌ها و... نورپردازی تشدید می‌شود تا فریبندگی نمایش داده شوند و نتیجه مطلوب‌تری از آنچه خلق شده است را ارائه دهد که این امر در ارتباط با تبلیغات آن مجموعه بسیار کمک‌رسان است. ■



تصویر شماره ۴: برگرفته از مجموعه خاطرات و قصه‌ها، مأخذ: برگرفته از آرشپوش شخصی هنرمند

### نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن نظریه‌ی نور سهروردی و اصل قرار دادن نور واقعی و ماهیت آن در جهان مادی و مثالی می‌توان رد پای آن را در هنر ایرانی-اسلامی مشاهده نمود. این هنر بر پایه ظواهر و مادیات نبوده و هنرمندان آن بیشترین تلاش را برای نشان دادن عالم مثال داشته‌اند. رنگ نیز که عنصری ماددست بواسطه نور ظهور پیدا می‌کند، یک هنرمند زندگی را در رنگ‌ها می‌بیند و با رنگ احساس می‌کند، روانشناسی نیز به رابطه‌ی ذهن و رنگ توجه خاصی داشته است آن را ذاتی و غیرقابل تفکیک از روان می‌داند و معتقد است می‌توان افکار درون آدمی به وسیله رنگ‌ها سنجیده شود، رنگ‌ها همچون نمادهایی در زندگی انسان‌ها هستند، نهاد و معرف امری مبهم و ناشناخته و پنهان و رازگونه آدمی که روشن‌کننده درون هر انسان است.

دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم از دو عنصر مهم تجسمی فرم و رنگ تشکیل شده‌اند که لازم و ملزوم یکدیگر محسوب می‌شوند. رنگ جایگاه ویژه‌ای در زندگی انسان‌ها بخصوص هنرمندان دارد و هر رنگ بنا به خاصیت منحصر به فرد خود تأثیری بر افراد دارد که بی‌ارتباط با رفتارها و کنش‌های اجتماعی و روانی آنان نیست. در خصوص تأثیر نور و رنگ بر طراحی لباس و ارائه آن در دنیای معاصر می‌توان به این نکته اشاره شود که نور ماهیت و اصالت هر چیز است و سبب ظهور دیگران است. از آنجایی که رنگ جسمانی و ماددست و در عین حال مهمترین عنصر برای نشان دادن احساس، هدف و زیبایی هر اثر هنری می‌باشد پس نیاز به نور دارد تا ماهیت و زیبایی آن را نمایان سازد در این خصوص نیاز به نور است با ریشه‌ای عمیق نوری از اهورامزدا و نوری محسوس شده برای دیدگان بشر، نوری که بتابد بر رنگ جسمانی و عالم ماده را نمایان سازد. ارائه‌ای بهتر از لباس‌ها در نگاه مخاطبان مبتنی بر نوری مناسب با حس و حال هنرمند در لحظه خلق اثر و یا موضوع مورد طراحیست تا توانایی هر چه بهتر انتقال معنا را داشته باشد. در این خصوص تأثیر نور بسیار گسترده می‌باشد. در بخشی دیگر رنگ‌ها بواسطه‌ی نور نمایان می‌شوند که خود نقشی مهم در القای حس هنرمند و هدف او از طراحی و یابی نقص و کامل نشان

### منابع

- ۱- آزاد ارمکی، تقی، چاوشیان، حسن (۱۳۸۱)، بدن به مثابه‌ی رسانه هویت، جامعه‌شناسی ایران، ۴(۴)، ۵۷۵-۵۸۰.
- ۲- حکمت، نصرت‌الله، حاجی‌زاده، محبویه (۱۳۹۱)، نور در فلسفه سهروردی، دوفصلنامه فلسفی شناخت، بهار و تابستان.
- ۳- بلخاری، حسن (۱۳۸۴)، تجلی نور و رنگ در هنرهای ایرانی-اسلامی، انتشارات سوره مهر، تهران.
- ۴- ابوریان، محمدعلی (۱۳۷۲)، مبنای فلسفه اشراق از دیدگاه سهروردی، محمدعلی‌شیخ، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۵- ایتن، یوهانس (۱۳۹۱)، هنر رنگ، مترجم: بشروه، عربعلی، فرهنگسرای بساوی، تهران.
- 6-Boudot, F. (1999) a century of fashion, Thames and Hudson, London
- 7-Turner, B.S. (1994) the consuming body, Sage, London.
- 8-Welters, L & , Lille hum, a. (2007) the fashion reader, Berg, New York

